



تحلیلگر بازیگوش

نگاهی به زندگی و دنیای اومبرتو اکو

در نودو چهارمین زادروزش

اومبرتو اکو، نویسنده و فیلسوف ایتالیایی که جهان را با آثارش پر از معنا و بازی‌های ذهنی کرد، ۵ دسامبر ۱۹۳۲ به دنیا آمد. امروز، همزمان با زادروزش، فرصتی است تا به زندگی، رمان‌ها و اندیشه‌های او بازگردیم و دریابیم چگونه ذهنی بازیگوش و تحلیلگر توانست ادبیات و فلسفه را به یک تجربه خواندنی و تأمل‌برانگیز تبدیل کند.

اومبرتو اکو در آلساندرا، شهری کوچک در شمال ایتالیا، متولد شد. پدرش که حسابدار بود، او را به خواندن حقوق تشویق می‌کرد اما اکو از همان ابتدا مسیر متفاوتی را برگزید و در دانشگاه تورین ثبت‌نام کرد. در سال ۱۹۵۴، پایان‌نامه‌ای درباره زیبایی‌شناسی توماس آکویناس ارائه داد؛ موضوعی که نه‌تنها پایه فکری او را شکل داد، بلکه نشان دهنده علاقه درینه‌اش به تلفیق منطق و معنا بود. آکویناس، به گفته اکو، متفکری بود که توانسته بود منطق ارسطویی را با آموزه‌های کاتولیک ادغام کند؛ دقیق و عرفانی، ساختار یافته و نمادین، ویژگی‌هایی که بعدها در آثار اکو نیز بازتاب یافت.

بن‌مایه‌های فکری اکو

اکو با کلیسای در محیطی کاتولیک بزرگ شد، تجربه‌هایش در مواجهه با ناآرامی کلیسا در مقابله با فاشیسم دوران موسولینی و مقاومت آن در برابر مدرنیسم، تأثیر عمیقی بر جهان‌بینی‌اش گذاشت. اما این تجارب به معنای نفی فرهنگ دینی نبود، بلکه او این‌ها، متون و سنت‌های کاتولیک را به‌عنوان منابعی برای بررسی چگونگی خلق و انتقال معنا از سوی انسان‌ها می‌دید. این نگاه تحلیلی و نمادگراییه، زمینه‌ساز علاقه مادام‌العمر او به نشانه‌شناسی شد.



پس از پایان تحصیلات، اکو به شبکه ملی بخش ایتالیا (RAI) پیوست و به‌عنوان ویراستار فرهنگی فعالیت کرد اما علاقه اصلی او به دانشگاه و پژوهش بازمی‌گشت. سال ۱۹۶۱، اکو کتاب «آثر گمشوده» را منتشر کرد؛ متنی که بنیان نظریه نشانه‌شناسی مدرن و روش فکری او را شکل داد. در این کتاب، او استدلال می‌کند که هنر و ادبیات مدرن به جای تحصیل معنا، خواننده را به تفسیر دعوت می‌کنند. «آثر گمشوده» به خواننده اجازه می‌دهد در خلق معنا

مشارکت داشته باشد و تجربه خواندن را تعاملی و زنده می‌کند. این ایده، در زمان خود بسیار نوآورانه بود و به‌سرعت در رشته‌های مختلف، از نقد ادبی تا موسیقی‌شناسی و فلسفه هنر تأثیر گذاشت.

صعود علمی اکو بسیار سریع و چشمگیر بود. او دهه‌ها استاد نشانه‌شناسی در دانشگاه بولونیا، قدیمی‌ترین دانشگاه اروپا بود و همزمان روشنفکری عمومی، باقی ماند. مقاله‌ها و نوشته‌های او در مجموعه‌هایی مانند اسفر در فراواقعیت، و «چگونه با یک ماهی آزاد سفر کنیم» طیف وسیعی از موضوعات، از مباحث الهیاتی و جذابیت‌های نشانه‌شناسی را درهم می‌آمیخت. فرهنگ عامه را پوشش می‌دهند. او همواره ترکیبی از تردید و طنز را در تحلیل‌هایش به کار می‌بست و این ویژگی، آثارش را خواندنی و در عین حال تأمل‌برانگیز می‌کرد.

سال ۱۹۸۰، وقتی اکو ۴۸ ساله بود، اولین رمان خود را منتشر کرد: «آتک نام گل» نام گل سرخ». این رمان یک داستان جنایی قرون وسطایی بود که در یک صومعه بندیکتی در سال ۱۳۲۷م اتفاق می‌افتد و عناصری از داستان کارآگاهی، مباحث الهیاتی و جذابیت‌های نشانه‌شناسی را درهم می‌آمیخت. قهرمان آن، ویلیام باسکرویل، راهبی فرانسیسکانی با توانایی‌های استنتاجی شبیه شرلوک هولمز، نقش مهمی در پیشبرد داستان و ایجاد پیچش‌های هوشمندانه داشت. رمان

سرشار از نقل‌قول‌های لاتین، پانویس‌ها و اطلاعات تاریخی است. با این‌حال به یکی از آثار پرفروش جهانی تبدیل شد و به دهه‌ها زبان ترجمه و فیلمی با بازی شان کلیزی از آن اقتباس شد. اکو خود گفته بود: «فکری می‌کردم رمانی برای ۵ هزار استاد نوشته‌ام.» اما «نام گل سرخ» بیش از ۵۰ میلیون نسخه فروخت و نشان داد که او توانایی ایجاد جذابیت فکری و سرگرمی را همزمان داشت.



شوخی با نظریه‌های توطئه

رمان‌های بعدی او مانند «آونگ فوکو» (۱۹۸۸)، «جزیره روز پیشین» (۱۹۹۴)، «باوتولینو» (۲۰۰۰)، «شعله مرزومز آواتانه» (۲۰۰۴) و «گورستان پراگ» (۲۰۱۰) مرزهای بین تاریخ و اختراع، حقیقت و جعل را بررسی می‌کنند. «آونگ فوکو» به «دک داوونیتی برای افراد زنگ» مشهور شد، هرچند خود اکو این مقایسه را خسته‌کننده می‌دانست و می‌گفت این رمان را برای شوخی نوشته است تا نظریه‌های توطئه و اعتماد شبه‌روشنفکرانه را که در فرهنگ معاصر می‌دید، نقد کند.

با اینکه آثار اکو پیچیده و عمیق بودند، او هرگز خواندگانش را به سخره نگرفت. او معتقد بود مردم باهوش‌تر از آن چیزی هستند که بازار فرض می‌کند و آنها را به‌عنوان همدستانی در خلق معنا می‌دید. نوشته‌ها و سخنرانی‌های او ذهنی بازیگوش و زنده را نشان می‌دهند که از بازی‌های زبانی، طنز، فهرست‌ها و ترجمه‌های عجیب لذت می‌برد. او نشانه‌شناسی را «رشته‌ای که همه چیزهایی را مطالعه می‌کند که می‌توان از آنها برای دروغ گفتن استفاده کرد» تعریف می‌کرد و علاقه ویژه‌ای به بورخس و لوئیس کارول داشت.

اکو در مقالاتش در ستون‌های L'Espresso (یک مجله خبری هفتگی ایتالیایی) سیاست معاصر، ناخردی‌های اجتماعی، تبلیغات و طراحی بوروکراسی را تحلیل می‌کرد و نشان می‌داد فرهنگ فقط محدود به کتابخانه و تالار سخنرانی نیست، بلکه در خیابان، مراکز خرید و تلویزیون نیز جریان دارد. این نگاه مترقی به فرهنگ، آثار او را زنده و در دسترس طیف وسیعی از مخاطبان قرار می‌داد.

اگرچه اکو شاعر نبود، تأثیر قابل توجهی بر شعر پست‌مدرن داشت. ایده‌های او درباره بینامتنیت و متن‌ها به‌عنوان شبکه‌ای از ارجاعات و پیوندها، با شاعران علاقه‌مند

به کلاژ شعر هم‌صدا شد. او معتقد بود معنا هرگز یگانه نیست و هر تفسیر باید با ناپایداری و پیچیدگی‌های خود مواجه شود. باور او به فرم، به‌عنوان محدودیت و مولد، علاقه‌اش به فهرست‌ها، نامگذاری و طنز بازگشتی، همگی دستگاه‌هایی بودند که در آوازش چه از نظر روایی و چه از نظر شعری کاربرد داشتند.

اومبرتو اکو در فوریه ۲۰۱۶ در ۸۴ سالگی درگذشت. آخرین رمان او، «شماره صفر» (۲۰۱۵)، طنزی بود بر روزنامه‌نگاری زرد و دستکاری رسانه‌ها؛ پاپایی هشدار داده بود. آثار، مقاله‌ها و مصاحبه‌های او همچنان مرجع خوانندگان در رشته‌های مختلف است. اکو بیش از هر چیز بر اهمیت تفسیر و خلق معنا تأکید داشت و می‌گفت: «کتاب‌ها همیشه از کتاب‌های دیگر سخن می‌گویند و هر داستان، داستانی را بازگو می‌کند که پیش‌تر گفته شده است.» در جهان او، اصالت به معنای خواندن با نگاهی تازه بود. او کمتر اهل پاسخ و بیشتر اهل ساختن پرسش‌های بی‌پایان و هیجان‌انگیز بود.

که آزادی بی‌حد تفسیر، گاه به قیمت تهی شدن متن از هر گونه معنا تمام شود. این مسأله بویژه در حوزه تفسیر متون دینی باز جمله کتاب مقدس کاملاً مشهود است؛ از این رو، مواجهه با دیدگاه اکو که در عین پیچیدگی و ظرافت، در برابر می‌کند، تجربه‌ای تازه و طراوت بخش به شمار می‌آید.

بحث اکو درباره نسبت میان داستان و غیرداستان (فیکشن و نان فیکشن) نیز خواندنی است. او به تأثیر عمیق و گاه شگفت‌آور داستان بر خوانندگان اشاره می‌کند؛ تأثیری که می‌تواند شکل‌های افراطی به خود بگیرد، مانند اثر روزتر که به تقلیدهای خطرناک منجر شده است یا شکل‌هایی طنزآمیز و ساده‌دلانه، همچون نامه‌هایی که برخی خوانندگان برای اکو فرستاده و در آنها آشکارا فراموش کرده که شخصیت‌ها و وقایع آثار او ساخته خیال‌اند، نه واقعیت تاریخی.

آخرین مقاله کتاب به موضوع «فهرست‌ها» اختصاص دارد؛ موضوعی که شاید در نگاه اول پیش پا افتاده به نظر برسد اما اکو پیش‌تر یک کتاب کامل درباره آن نوشته و کارکردهای



اعترافات

رمان نویسی جوان

- نویسنده: اومبرتو اکو
- مترجم: رضا علیزاده
- انتشارات: روزنه
- تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه
- قیمت: ۲۱۰,۰۰۰ تومان

فهرست در نوشتار و ادبیات را به تفصیل بررسی کرده است. از میان کاربردهای گوناگون فهرست‌ها، جذاب‌ترین آنها تلاش برای بیان «ناگفتنی» است؛ یعنی فهرست‌هایی که می‌گویند حسن تعالی، بی‌کرانگی یا ضروری را زبان معمول را ایجاد کنند. این فصل می‌توان گفت ملول از فهرست‌های شگفت‌انگیز است؛ چه آنها که اکو خود ساخته و چه آت‌هایی که از آثار پیشینش نقل کرده است. شاید همین توانایی در جذاب کردن موضوعی به ظاهر ساده مانند فهرست‌ها، نشانه‌ای روشن از نبوغ اکو باشد. در مجموع، این کتاب کوچک اما متنوع، همچون دیگر آثار اکو، اثری است که خواننده را مجذوب می‌کند، گاه سردرگم می‌سازد و اغلب به چالش می‌کشد؛ تجربه‌ای فکری که نه فقط برای دوستداران اکو، بلکه برای علاقه‌مندان به ادبیات، نظریه و نسکت خیال و معنا ارزش خواندن دارد. با نگاهی گسترده‌تر، «اعترافات رمان نویسی جوان» نه‌تنها تصویری از ذهن اکو ارائه می‌دهد، بلکه الگویی برای هر نویسنده‌ای است که می‌خواهد فراتر از دستورالعمل‌ها و قواعد خشک، به ماهیت واقعی خلق ادبی پی ببرد و جهان داستانی خود را با احترام و خلاقیت بسازد.

این اثر، بیش از آنکه نوآورانه باشد، شفاف‌کننده است. اکو ادعا نمی‌کند چیزی کاملاً تازه کشف کرده، بلکه نشان می‌دهد چگونه می‌توان میان نظریه و عمل، میان دانشگاه و رمان، رفت‌وآمد کرد. او همزمان فیلسوفی است که به هستی شخصیت‌های داستانی می‌اندیشد و رمان‌نویسی که می‌داند نباید همه قواعد بازی را افشا کند. همین تعادل است که کتاب را زنده نگه می‌دارد و آن را به یک مرجع عملی و فلسفی برای نویسندگان تبدیل می‌کند. در نهایت، «اعترافات رمان نویسی جوان» بیش از هر چیز دعوت است؛ دعوت به دیدن رمان نه به‌عنوان متنی بسته، بلکه به‌عنوان جهانی ممکن؛ جهانی که با فهرست‌ها و نقشه‌ها آغاز می‌شود، با تصویرزاینده جان می‌گیرد، در محدودیت‌ها شکل می‌یابد و تنها در مواجهه با خواننده کامل می‌شود. پوزخند اکو را می‌توان در پس سطرها حس کرد؛ پوزخند کسی که می‌گوید من بخشی از مسیرا نشان دادم اما ادامه‌اش با شماست. این کتاب، نه کلاس آموزش نویسندگی است و نه مانیفست نظری، بلکه گزارشی صادقانه از کار یک ذهن است که هم به بازی روائت ایمان دارد و هم به زحمت نوشتن.

گریز نوشته‌های اکو از قالب‌های

مرسوم

همانند اغلب آثار غیرداستانی اومبرتو اکو و حتی بسیاری از آثار داستانی او، این مجموعه مقالات نیز به‌سختی در یک قالب یا ژانر مشخص جای می‌گیرند. کتاب ترکیبی است مسحورکننده از بینش‌های روشنگرانه، مشاهده‌های گاه رازآلود، ارجاعات ادبی گسترده و فرضیه‌هایی جذاب که ذهن خواننده را پیوسته درگیر می‌کند. عنوان کتاب، «اعترافات رمان نویسی جوان»، خود به‌نوعی کنایه‌آمیز و طنزآلود انتخاب شده است؛ کنایه‌ای که با در نظر گرفتن سن و سال اکو معنای دوچندان می‌یابد. این کتاب در واقع مجموعه‌ای است از چهار سخنرانی در حوزه ادبیات مدرن که اکو آنها را در دانشگاه هاروارد ایراد کرده است.

بخش قابل توجهی از کتاب به مباحث نظری ادبیات اختصاص دارد. بسیاری از این مباحث برای علاقه‌مندان و نویسندگان جوان روشنگر بوده، هرچند بخشی از آنها چنان فنی و تخصصی است که فهم کامل‌شان از توان عموم خارج بوده است. با این حال، به احتمال زیاد هر خواننده غیرمتخصصی نیز می‌تواند از نکته‌سنجی‌ها و دیدگاه‌های اکو بهره‌مند شود، هرچند گاهی این بینش‌های قابل دسترس در انبوهی از کلمات، اصطلاحات و توضیحات پیچیده پنهان می‌شوند؛ زبانی که دست‌کم برای برخی خوانندگان چندان هموار نیست؛ البته باید افزود که اگر کسی قصد خواندن آثار اکو را داشته باشد، ناگزیر باید خود را به این سبک عادت دهد. تقریباً همیشه، تلاش و صبری که برای عبور از این لایه‌های زبانی صرف می‌شود، با دست‌یابی به نکته‌هایی ارزشمند و ماندگار جبران خواهد شد و خود حتی این «خوش‌کردن» در متن نیز بی‌فایده نیست.

از نکات قابل توجه کتاب، موضع‌گیری محتاطانه اما صریح اکو در برابر افراط‌های برخی جریان‌های ادبیات نظریه‌ای ادبی پست‌مدرن است. او به‌دروستی تردید خود را نسبت به این ایده مطرح می‌کند که «حقوق مفسر» در دوران معاصر بیش از اندازه برجسته شده است. به بیان دیگر، اکو نگران آن است



اومبرتو اکو ادعا نمی‌کند چیزی کاملاً تازه کشف کرده، بلکه نشان می‌دهد چگونه می‌توان میان نظریه و عمل، میان دانشگاه و رمان، رفت‌وآمد کرد.

اومبرتو اکو ادعا نمی‌کند چیزی کاملاً تازه کشف کرده، بلکه نشان می‌دهد چگونه می‌توان میان نظریه و عمل، میان دانشگاه و رمان، رفت‌وآمد کرد.

اومبرتو اکو ادعا نمی‌کند چیزی کاملاً تازه کشف کرده، بلکه نشان می‌دهد چگونه می‌توان میان نظریه و عمل، میان دانشگاه و رمان، رفت‌وآمد کرد.



ذهن نگاری رمان نویسی پیر

معرفی و نقد کتاب اعترافات رمان نویسی جوان از اومبرتو اکو

جهان رمان، برای او، از فهرست‌ها آغاز می‌شود؛ فهرست نام‌ها، اشیا، مسیرها، مکان‌ها؛ نوعی انباشت وسواس‌گونه که هم کارکرد عملی دارد و هم کارکرد زیبایی‌شناختی. این فهرست‌ها صرفاً ابزار یادداشت‌برداری نیستند، بلکه ماده خام آفرینش‌اند؛ همان جایی که جهان داستانی، پیش از آنکه روائت شود، انباشته و مترکم می‌شود. اکو از دل این فزونی، نقشه می‌کشد، فضا می‌سازد و شخصیت‌ها را در مسیرهایی قرار می‌دهد که به‌تدریج مستقل می‌شوند. رمان در این نگاه، نه با خط داستانی، بلکه با نوعی «تورم جهان» آغاز می‌شود.

از همین‌جا مسأله شخصیت‌ها مطرح می‌شود اما باز هم نه به شکل معمول. اکو چندان شیفته رمان‌شناسی شخصیت نیست، بلکه مجذوب این واقعیت است که چگونه موجوداتی کاملاً ساختگی، می‌توانند در ذهن خواننده به درجه‌ای از واقعیت برسند که گاه از آدم‌های واقعی ماندگارتر شوند. پاسخ او ساده اما عمیق است: شخصیت بدون جهان دوام نمی‌آورد. خواننده تنها زمانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد که نه فقط به فکر، بلکه به جهان پیرامون او ایمان بیاورد؛ به قواعد، محدودیت‌ها و منطق درونی جهانی که آن شخصیت در آن نفس می‌کشد. اگر این جهان باورپذیر نباشد، تعلیق ناباوری هرگز شکل نمی‌گیرد و همدلی فرو می‌ریزد.

در قلب هر رمان، به زعم اکو، یک تصویر زاینده وجود دارد؛ تصویری مبهم، اغلب قدیمی که سال‌ها در ناخودگاه نویسنده انباشته شده و ناگهان خود را تحمیل تولید رمان پرفروش در اختیار داشته است. «اعترافات رمان نویسی جوان» را می‌توان پاسخی دیرنگام، شوخ طبعانه و در عین حال جدی به همین سو‌مقتامه دانست: نه انکار پیچیدگی کار، نه افشای همه رازها، بلکه نشان دادن اینکه رمان، حاصل هم‌نشینی عناصر متعدد است؛ عناصری که هیچ کدام به تنهایی معجزه نمی‌کنند.

یکی از اولین چیزهایی که اکو بر آن مکث می‌کند، جهان‌سازی است اما نه به معنای کلیشه‌ای و رمانتیک آن.

بدگمانی منتقدان به «آتک نام گل»

اکو از همان ابتدا بار سنگین شهرت «آتک نام گل (نام گل سرخ)» را با خود حمل می‌کند. این رمان چنان موفق شد که بعضی منتقدان، نه از سر تحسین، بلکه از سر بدگمانی، آن را محصول نوعی محاسبه‌ماشینی دانستند؛ گویی استاد نشانه‌شناسی، الگوریتمی مجرمانه برای محاسبه‌عمل می‌کند و زمینه‌ای غنی برای پژوهش‌ها و مطالعه میان‌رشته‌ای فراهم می‌آورد. این رمان هم نمایانگر توانایی نویسنده در خلق داستان‌های پیچیده و جذاب است و هم بازیابی از دانش گسترده او در حوزه نشانه‌شناسی، فلسفه و تاریخ قرون وسطی و الهیات محسوب می‌شود.

اکو استاد نشانه‌شناسی در دانشگاه بولونیا بود و سال‌ها به تحلیل زبان، متن و روابط میان نویسنده و مخاطب پرداخته بود. مفهوم «خواننده الگو» که او ارائه کرده، اهمیت نقش نویسنده در هدایت مخاطب و شکل دهی تجربه خواندن را به خوبی نشان می‌دهد و در «آتک نام گل»، متن دقیقاً با در نظر گرفتن چنین مخاطبی نوشته شده است. متن رمان، سیستمی از نشانه‌ها، ارجاعات و کدهاست که تنها با مشارکت فعال خواننده معنا پیدا می‌کند.

اگرچه رمان در ظاهر روایت قتل‌هایی در صومعه‌ای در شمال ایتالیا در سال ۱۳۲۷ میلادی است، اما در لایه‌های

پیچیده و خواندنی

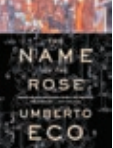
آتک نام گل اومبرتو اکو رمانی فراتر از یک روایت جنایی ساده است

رمان «آتک نام گل (نام گل سرخ)» / The Name of the Rose اثر اومبرتو اکو، اثری است که فراتر از یک روایت جنایی ساده عمل می‌کند و زمینه‌ای غنی برای پژوهش‌ها و مطالعه میان‌رشته‌ای فراهم می‌آورد. این رمان هم نمایانگر توانایی نویسنده در خلق داستان‌های پیچیده و جذاب است و هم بازیابی از دانش گسترده او در حوزه نشانه‌شناسی، فلسفه و تاریخ قرون وسطی و الهیات محسوب می‌شود.

اکو استاد نشانه‌شناسی در دانشگاه بولونیا بود و سال‌ها به تحلیل زبان، متن و روابط میان نویسنده و مخاطب پرداخته بود. مفهوم «خواننده الگو» که او ارائه کرده، اهمیت نقش نویسنده در هدایت مخاطب و شکل دهی تجربه خواندن را به خوبی نشان می‌دهد و در «آتک نام گل»، متن دقیقاً با در نظر گرفتن چنین مخاطبی نوشته شده است. متن رمان، سیستمی از نشانه‌ها، ارجاعات و کدهاست که تنها با مشارکت فعال خواننده معنا پیدا می‌کند.

اگرچه رمان در ظاهر روایت قتل‌هایی در صومعه‌ای در شمال ایتالیا در سال ۱۳۲۷ میلادی است، اما در لایه‌های

تجربه‌های ذهنی و احساسی آدسو، شامل رؤیاها، مکاشفه‌ها و لحظات طنزآمیز که روایت را انسانی و جذاب می‌سازد.



ولیم و آدسو در این رمان همانند شرلوک هولمز و واتسون عمل می‌کنند؛ با این تفاوت که در صومعه‌ای متعلق به دهه ۱۳۰۰ میلادی فعالیت دارند، جایی که قتل و مناظره‌های دینی در کمین‌اند. پیرنگ معمایی قتل و مباحثات الهیاتی به‌طرز استادانه‌ای در هم تنیده شده و تنش‌ها و پیچیدگی داستان، هر دو خط روایت را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های شگفت‌انگیز این رمان، محوریت «کتاب‌ها و خواندن» در روایت است. داستان پیرامون آثار ارسطو، مکاشفات یوحنا و دیگر متون قرون وسطایی شکل گرفته اما خود رمان نیز محصول باقرآینی و ارجاعات این متون است. اکو حتی به آثار خورخه لوئیس بورخس ارجاع می‌دهد و در رمان، کتابداری نابینا با نام خورخه اهل بزرگوس حضور دارد که یادآور بورخس است. استفاده اکو از فرادستان و اشاره‌های بینامتنانه، خواننده را به تجربه‌ای فعال و تفکربرانگیز دعوت



آتک نام گل

- نویسنده: اومبرتو اکو
- مترجم: رضا علیزاده
- انتشارات: روزنه
- تعداد صفحات: ۸۶۴ صفحه
- قیمت: ۹۵۰,۰۰۰ تومان

یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر تثبیت می‌کند. رمان «آتک نام گل» دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است؛ اول شهرام طهرانی آن را با عنوان «نام گل سرخ» و انتشارات شب‌آواژ منتشر کرد و سپس رضا علیزاده با عنوان «آتک نام گل» آن را در انتشارات روزنه عرضه کرد.